



مکاسب محرمة / حفظ کتب ضلال

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

محل بحث و کلام در ادله قرآنی حرمت حفظ کتب ضلال است و موضوع بحث هم جایی است که یقین به مضل بودن کتب ضلال وجود ندارد و الا اگر کتب ضاله، مضل هم باشند حرمتش از باب اضلال واضح است. تاکنون به سه آیه از قرآن که به آنها بر حرمت حفظ کتب ضلال استدلال شده است، پرداخته شد که دلالت آنها پذیرفته نشد. آیات دیگری هم در بعضی از کتب فقهی مانند ابتغا الفضیله مرحوم حائری مورد استدلال قرار گرفته است که به بعضی از آنها در ادامه اشاره می‌شود.

استدلال به آیه ۷۹ سوره بقره بر حرمت حفظ کتب ضلال

چهارمین دلیل قرآنی که به آن بر حرمت حفظ کتب ضلال استدلال شده است آیاتی است که افترا بر خداوند را به صورت مکتوب یا ملفوظ منع و نهی کرده‌اند مانند آیه «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَتْ رُؤَا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (بقره ۷۹) این آیه شریفه درباره مربوط به اهل کتاب است که مطالبی را بدون اینکه از طرف خداوند نازل شده باشد، می‌نوشتند و بعد به خداوند نسبت می‌دادند.

تقریر استدلال به آیه

در آیه شریفه سه بار کلمه ویل تکرار شده است در مرتبه اول «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ» نوشتن کتاب ضلال را به مفهوم و معنای مصدری آن مورد مذمت قرار داده است یعنی نفس کتابت کتاب ضلال و اسناد آنچه که از سوی خداوند نازل نشده را به خداوند، ویل کرده است و این ویل نشانه حرمت این افترا و کتابت است و در مرتبه دوم «فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ» ویل به محصول کارشان تعلق گرفته است یعنی به کتابت به معنای اسم مصدری تعلق گرفته است و آن را مورد مذمت قرار می‌دهد و این مذمت عرفا ملازم این است که حفظ، خرید و فروش آن حرام باشد.



مناقشه در استدلال

این استدلال، استدلال ضعیفی است و از آن سه مناقشه وارد شده است.

۱. این مطلب که متعلق ویل در مرتبه دوم اسم مصدر کتابت است ثابت نیست و حتی اگر بپذیریم مورد مذمت اسم مصدر است این تعلق به لحاظ فعلی است که به آن اسم مصدر تعلق می‌گیرد.

۲. عدم ثبوت ملازمه بین تعلق ویل به کتابی و حرمت حفظ آن کتاب.

۳. ظهور آیه در مواردی است که کتاب موجب اضلال غیر شود و شمول آن نسبت به مواردی اضلال در آن نیست، محرز نیست..

آیه فوق در مورد کتابت بود و یک دسته از آیات هستند که در آن‌ها افترا علی الله را منع کرده است مانند «قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَىٰ» (طه/۶۱) که به استدلال فوق ملحق می‌شود که مناقشات بالا بر آن نیز وارد است.

استدلال بر آیه ۶۸ سوره انعام بر حرمت حفظ کتب ضلال

آقای حائری در کتاب ابتغاء الفضيله به آیه «وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُضُّونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (انعام/۶۸) بر حرمت حفظ کتب ضلال تمسک کرده‌اند که در این مضمون آیات دیگری مانند «وَإِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا» (نساء/۱۴۰) وجود دارد که مورد تمسک قرار گرفته‌اند. مضمون این آیات، این است که اگر در مجلسی وارد شدید که آیات خدا مورد استهزاء قرار می‌گیرد و به آن‌ها کفر ورزیده می‌شود و انکار می‌شود آن مجلس را ترک کنید و الا در کار آن‌ها شریک هستید.

تقریر استدلال و نقد آن

از این آیات الغا خصوصیت می‌شود و حکم متوجه هر نوع توجه به باطل و امر ضلال و ارتباط می‌شود و مقصود آیات منع از توجه به ضلال و باطل است و حفظ و خرید و فروش کتب ضلال در واقع نوعی توجه و عنایت بر باطل است که باید از آن پرهیز شود.



صحت این گونه الفا خصوصیت بعید به نظر می‌رسد و دلیلی بر آن نیست البته اگر حفظ کتب ضلال و یا رفت و آمد در کتابخانه‌ای که کتب ضاله در آن باشد به گونه‌ای تأیید آن باشد این حفظ و رفت و آمد حرام است و تا این اندازه می‌توان الفا خصوصیت کرد اما این مطلب خارج از محل بحث است و بحث ما در حفظ کتب ضاللی است که مصل بودن آن‌ها مشخص نیست و عنوان ثانویه دیگری بر حمل نشده باشد.

استدلال بر آیه ۹۷ سوره طه بر حرمت حفظ کتب ضلال

بر آیه «فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانْظُرْ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا» (طه/۹۷) نیز بر حرمت حفظ کتب ضلال استدلال شده است. این آیه درباره قصه سامری و از بین بردن آن گاو سامری توسط حضرت موسی می‌باشد.

تقریر استدلال و نقد آن

در این استدلال از بتی که مورد پرستش عده‌ای قرار گرفته بود و حضرت موسی آن را آتش زد الفا خصوصیت شده است و حکم وجوب از بین بردن و نابود کردن به کتاب و هر ابزار ضاللی سرایت داده شده است که البته این الفا خصوصیت وجهی ندارد چون الفا خصوصیت از فرد اقوی که بت مورد پرستش است به ضعیف کتب ضاله است که چنین الفا خصوصیتی صحیح نیست.

خلاصه‌ای از بحث در مورد استدلال به ادله قرآنی

در مجموع بر حرمت حفظ کتب ضلال شش استدلال قرآنی آورده شده است که بعضی در بعضی از این استدلال‌ها به یک آیه قرآنی و در بعضی دیگر به چند آیه که در یک محور قرار داشت و جمع‌بندی نظر ما از این آیات این بود که این آیات دلالت بر حرمت اضلال غیر و هر آنچه مصداق آن باشد، می‌کنند و همچنین هر کاری که مقدمه اضلال غیر باشد و مطمئن باشد که اثم بر این مقدمه مترتب می‌شود از باب اعانه بر اثم حرام است و الا اگر اطمینان بر ترتب اثم بر عمل و اضلال نداشته باشد، حرام نیست الا اینکه به خاطر حساسیت موضوع مانند شرک، احتمال ضلال غیر هم منجز باشد و آن عمل حرام می‌شود. پس این ادله دلالتی بر حرمت حفظ کتب ضلال ندارد.



تفاوت حکم مقدمیت ضلال و مقدمیت برای اضلال غیر

گاهی فعل و عملی بالفعل موجب اضلال غیر می‌شود مثل اینکه در اثر سخنرانی، شخصی تحت تأثیر مطالب خلاف واقع قرار می‌گیرد که این عمل مصداق اضلال است و حرام می‌باشد اما گاهی عملی بالفعل موجب اضلال نیست هر چند شأنیت اضلال را دارد مثلاً حفظ کتب ضلال یا خرید فروش آن جهت مطالعه آن کتاب برای خود شخص که این حفظ و خرید و فروش می‌تواند مقدمه اضلال خودش واقع شود که این عمل حرام نیست حتی اگر یقین به گمراهی داشته باشد و فقط اگر اضلالی بعداً واقع شد آن اضلال حرام است نه مقدمه این اضلال اما اگر همین حفظ و خرید و فروش مقدمه اضلال غیر واقع شود در این صورت اگر اطمینان به اضلال باشد این مقدمه حرام نیست